

# دانش بومی کشاورزی و منابع طبیعی و تطبیق آن با دانش نوین

## چکیده:

در این مقاله این موضوع مورد بحث قرار می‌گیرد که در مبحث دانش بومی کشاورزی و منابع طبیعی به دو دیدگاه اساسی می‌رسیم. دیدگاه اول بر این طرز تفکر استدلال می‌کند که در راه رسیدن به توسعه، دیگر نمی‌توان به گذشته و تفکرات آن استناد کرد. به عبارت دیگر آنچه مربوط به گذشته است کهنه است و بدین ترتیب دانش بومی مانع توسعه می‌گردد. در برابر آن دیدگاهی دیگر عقیده دارد که در توسعه پایدار محوریت بر انسان قرار دارد و دانش بومی از طریق ارتباط و تعامل با محیط طبیعی بدست آمده و این دانش مورد استفاده بومیان جهت رفع نیازهای خودشان قرار می‌گیرد. در این دیدگاه بومیان افرادی دانا هستند و دانش و آگاهیهای آنان درباره منابع طبیعی و محیط اطرافشان عمیق تر از دیگر دانشمندان است. تلفیق دانش بومی و دانش نوین دیدگاه دیگری است که مورد بحث قرار می‌گیرد و در واقع ادغام دو دیدگاه آکادمیک و سنتی است و حاصل آن همکاری پژوهشگران و بومیان خواهد بود و سبب کاهش ریسک ناشی از بکارگیری تکنولوژی خواهد شد. این دیدگاه رابطه دانش بومی و پست مدرنیسم را بیان می‌کند که بر اساس آن پست مدرنیسم ترکیبی از تجربه و خلاقیت دورانهای گذشته و حال و آینده است و...

روش این پژوهش روش تاریخی است که با بررسی منابع موجود، اطلاعات لازم بدست آمده و مورد تحلیل قرار می‌گیرد.

## اهم مطالب مطرح شده در این نوشتار عبارتند از:

- ۱- دانش بومی کشاورزی و منابع طبیعی چیست؟
- ۲- دیدگاههای سنت‌گرا و مدرنیسم در دانش بومی
- ۳- دانش بومی کشاورزی و منابع طبیعی و توسعه پایدار
- ۴- مشارکت و مراحل آن در دانش بومی کشاورزی و منابع طبیعی
- ۵- نقش حفاظتی دانش بومی کشاورزی و منابع طبیعی
- ۶- نتیجه گیری.
- ۷- پیشنهادها.

واژه‌های کلیدی:



تلفیق دانش بومی و  
دانش نوین دیدگاه دیگری  
است و در واقع ادغام دو  
دیدگاه آکادمیک و سنتی  
است و حاصل آن همکاری  
پژوهشگران و بومیان  
خواهد بود



پس از انقلاب صنعتی در جوامع غربی، با جایگزین شدن نظام سرمایه‌داری به جای نظام فئودالی، تحولات و دگرگونی اساسی در زیست اجتماعی افراد به وجود آمد. در این ایام به تدریج بر جمعیت شهرها افزوده شد و به همان نسبت قدرت سیاسی از روستا از دست زمین‌داران بزرگ به شهرها منتقل گردید. زیست در شهر همراه با تمرکز اقتصادی و مبادله پولی و مهم‌تر از آن اقتصاد صنعتی همراه بود. با رشد اقتصاد صنعتی و گسترش علم و تکنیک توسعه قرن بیستم در قالب نظریاتی چون نظرات دورکیم، اگوست کنت، اسپنسر، روستو و... شکل گرفت. این اندیشه‌ها نمی‌توانست گرفتاریهای بشر را حل نماید و لذا می‌بایست در دیدگاه‌های موجود تجدیدنظر اساسی بوجود آید. در نظریه‌های جدید مدل‌های زیست محیطی (Ecological Model) طراحی و پایه‌گذاری شد. در این دیدگاه انسان بعنوان محور و جزئی از محیط خود محسوب گردید. از نیمه دوم دهه ۱۹۴۰، اثرات زیانبار زیست محیطی طرح‌های توسعه، بانک جهانی را متوجه دانشی به نام دانش بومی (Indigenous knowledge) و مشارکت بومیان در این طرح‌ها نمود. دانش بومی دانشی است که باورها، ارزشها و آگاهیهای مردم را دربرمی‌گیرد. بررسی‌ها نشان می‌دهد که ایران یکی از نخستین مراکز کشاورزی، دامداری و باغداری جهان است و کارهای اساسی در زمینه استفاده از دانش بومی در منابع طبیعی، کشاورزی، آبخیزداری، دامداری و... در سالها قبل در کشورمان انجام گرفته است.

امروزه دانشمندان دانش بومی سعی می‌نمایند علاوه بر گردآوری روشهای کهن و بومی در زمینه‌های منابع طبیعی، کشاورزی و... و در راستای توجه به دانش جدید به تلفیقی از این دو دانش دست یابند. تجربه نشان داده است که دانش بومی علاوه بر اینکه با دانش رسمی و نوین تعارضی ندارد بلکه می‌توان با ادغام این دو دانش به دانشی کارآمد و بسیار مناسب در علوم طبیعی و کشاورزی دست یافت.

### ۱- اهمیت موضوع

دانش بومی هر قومی دانشها، ارزشها و آگاهیهای آن قوم را دربرمی‌گیرد. این همان دانشی است که هر قومی به کمک آن در طی سالیان دراز توانست با منابع طبیعی و محیط زیست ارتباط برقرار کند و بدون تخریب آن، نیازمندیهای خود را از محیط اطراف خود تأمین نماید. از طرفی دیگر حفظ و نگهداری این دانش عمده‌تاً توسط سالخوردگان و سینه به سینه و بصورت شفاهی صورت گرفته و ضرورت دارد که در جمع‌بندی نگهداری و طبقه‌بندی آن تلاش گسترده‌ای انجام گیرد. در بحث پژوهش، گردآوری این روش با روش پژوهش میدانی و مشارکت بومیان هر منطقه میسر است. کاری که به تقویت دیدگاه سیستمی و حفظ محوریت انسان در پژوهش منجر میگردد.

### ۲- هدف مقاله

در این مقاله سعی می‌شود که جایگاه ویژه دانش بومی بخصوص در حوزه کشاورزی و منابع طبیعی مورد بررسی و تأکید قرار گیرد. از دیگر اهداف این مقاله این است که مشخص شود ارتباط این دانش با توسعه پایدار چیست و چه عواملی در این ارتباط نقش دارند. همچنین این مقاله نقش حفاظتی دانش بومی کشاورزی و منابع طبیعی را بطور کلی و با ذکر مواردی در سطح استان سمنان شناسایی و به ثبوت میرساند.

### ۳- روش بررسی

این پژوهش بر اساس روش تاریخی و استفاده از تکنیک کتابخانه‌ای به کندوکاو در حوزه نظری می‌پردازد. نتایج این قسمت، می‌تواند جایگاه ویژه دانش بومی کشاورزی و منابع طبیعی را در زندگی مردم بومی روشن نماید. در قسمتی دیگر از پژوهش، تجربیات نگارنده و پژوهشگران دیگر تحت عنوان نقش حفاظتی دانش بومی کشاورزی و منابع طبیعی معرفی می‌شود.

### مفاهیم و تعاریف دانش بومی با تأکید بر دانش بومی کشاورزی و منابع طبیعی

دانش بومی در بین دانشمندان تحت عناوینی چون دانش محلی، دانش روستایی، دانش سنتی و... شناخته شده و رسمیت یافته است. این دانش طیف گسترده‌ای در زمینه‌هایی چون کشاورزی، منابع طبیعی، دام، آبخیزداری، محیط زیست را دربرمی‌گیرد و معمولاً مناطقی را که دارای تنوع زیستی و جغرافیایی بالایی هستند را شامل می‌شود. بدین صورت روستاها جایگاه اصلی دانش بومی معرفی می‌گردند و شاید بتوان با این استدلال آن را دانش روستایی نامید.

دانش بومی زنان با مردان بعلت نوع کار و تقسیم‌بندی آنان متفاوت است. بدین ترتیب شیوه حفظ و نگهداری و سازماندهی این دانش در بین زنان و مردان متفاوت است.

"دانش بومی بخشی از سرمایه ملی هر قوم است که باورها، ارزشها، روشها، ابزار و آگاهیهای محلی آنان را دربرمی‌گیرد. این همان دانشی است که به وسیله آن در طی قرون، اقوام گوناگون روزی خود را از محیطشان جسته‌اند، پوشاکشان را تهیه کرده‌اند، خود را در سرپناهی اسکان داده‌اند، فرزندان خود را تربیت کرده‌اند، جامعه خود را سامان داده و سلامت خود و احشام خود را حفظ نموده‌اند." (۱۱، ص ۱).

"دانش بومی به دانشی اطلاق می‌شود که در مدتی طولانی تکامل یافته و از نسلی به نسلی دیگر به شکل موروثی منتقل شده باشد." (Talawa and singh, 1994) (۸، ص ۲۳).

"آت (Atte, 1992) دانش بومی را در تمام فرهنگها، دانش محلی عنوان می‌کند که از تعامل میان مردم و محیط زیست‌هایی مانند کشاورزی، صیادی، طبابت، مدیریت منابع طبیعی و مهندسی حاصل می‌شود. نظامهای

امروزه دانشمندان دانش بومی سعی می‌نمایند علاوه بر گردآوری روشهای کهن و بومی در زمینه‌های منابع طبیعی، کشاورزی و... و در راستای توجه به دانش جدید به تلفیقی از این دو دانش دست یابند. تجربه نشان داده است که دانش بومی علاوه بر اینکه با دانش رسمی و نوین تعارضی ندارد بلکه می‌توان با ادغام این دو دانش به دانشی کارآمد و بسیار مناسب در علوم طبیعی و کشاورزی دست یافت.



دانش بومی هر قومی دانشها، ارزشها و آگاهیهای آن قوم را دربرمی‌گیرد. این همان دانشی است که هر قومی به کمک آن در طی سالیان دراز توانست با منابع طبیعی و محیط زیست ارتباط برقرار کند و بدون تخریب آن، نیازمندیهای خود را از محیط اطراف خود تأمین نماید.



**در این مقاله سعی می‌شود که جایگاه ویژه دانش بومی بخصوص در حوزه کشاورزی و منابع طبیعی مورد بررسی و تأکید قرار گیرد. از دیگر اهداف این مقاله این است که مشخص شود ارتباط این دانش با توسعه پایدار چیست و چه عواملی در این ارتباط نقش دارند.**

دانشهای محلی بیانگر گذشته و تجارب مردم، روابط اجتماعی آنان و نظامهای تبادل اطلاعات میان آنها بوده که می‌تواند بیشترین نقش را در پایداری نظامهای تولیدات کشاورزی ایفا کند. (۸، ص ۲۳). بنابراین تعریف، دانش بومی طیف وسیعی از علوم به مانند کشاورزی، مدیریت منابع طبیعی و... را دربرمی‌گیرد.

ویلیامز و موجینا به نقل از مک کلور دانش بومی را اینگونه تعریف کرده‌اند: «دانش بومی همانا شیوه‌های یادگیری، فهم و نگرش به جهان است که در نتیجه سالها تجربه و مسئله‌گشایی بر اساس آزمون و خطا به وسیله گروههایی از مردم به دست آمده و آن را در محیط خود به کار برده و تجربه کرده‌اند.» (۱، ص ۳۹).

جدیدترین تعریفی که برای دانش بومی می‌توان کرد بدین گونه است: هر آنچه از میراث گذشتگان یک سرزمین که در رفع مسائل توسعه آن سرزمین به کار آید دانش بومی است. در کلیه تعاریف دو ویژگی برای دانش بومی آمده است.

۱- دانش بومی کاربردی

۲- دانش بومی محلی

ویژگی اول بر این نکته تأکید دارد که تلاش برای گردآوری دانش بومی تنها یک فعالیت آکادمیک نیست بلکه به طور مشخص برای حل مسائل توسعه امروز آغاز شده است. ویژگی دوم وابستگی و سازگار بودن دانش بومی با خاستگاه جغرافیایی آن اشاره دارد. (۶ ص ۳۷).

### دیدگاههای سنت‌گرا و مدرنیسم در دانش بومی

صاحب‌نظران در بیان دیدگاههای خود درباره توسعه و تکامل اجتماعی توجه خاصی به جوامع صنعتی می‌نمایند. این نظرات عمدتاً در برخورد متقابل بین سنت و مدرنیسم قرار دارد. امیل دورکیم صاحب‌نظر علوم اجتماعی به بیان دو مفهوم همبستگی مکانیکی و ارگانیکی در مقوله توسعه و تحولات اجتماعی می‌پردازد. بر

اساس این دیدگاه جوامع غیر صنعتی و سنتی از همبستگی مکانیکی پیروی می‌کنند. در این همبستگی افراد بدون آگاهی و گوناگونی و تخصصی شدن و فقط بر اساس ضرورت‌های طبیعی به یکدیگر پیوسته‌اند و به همین دلیل همبستگی آنها کورکورانه و مبتدی است اما در جوامع صنعتی بر اثر گوناگون شدن فعالیت اجتماعی و تخصصی شدن نهادها، افراد انسانی به مرحله والاتر و عالی‌تری از همبستگی دست پیدا می‌کنند که همبستگی ارگانیکی نامیده می‌شود. در این مرحله افراد آگاهانه و بر اساس انتخاب، روابط بشری میان یکدیگر را برمی‌گزینند و نهادهای جامعه به کنترل انسانی نزدیکتر می‌شود.

اسپنسر در دیدگاه تکاملی خود معتقد بود که موجودات از حالت ساده و یکنواختی به حالت پیچیده و چندگانگی می‌رسند. اسپنسر درباره تکامل جامعه نظریات قاطعی ارائه می‌دهد. استدلال وی چنین است؛ صورت تکامل را می‌توان در حرکت جوامع ساده به سوی جوامع پیچیده مشاهده کرد. با تجمع برخی از جوامع ساده، جوامع پیچیده ایجاد می‌شود و با تجمع همین جوامع پیچیده، جامعه پیچیده‌تری حاصل می‌شود. جامعه ساده که خانواده‌ها را دربرمی‌گیرد وقتی اندکی پیچیدگی یافت کلان را تشکیل می‌دهد و از تجمع کلان‌ها جامعه قبیله‌ای ایجاد می‌شود و با گردهم‌آبی قبایل، جوامع بزرگتر ملی مانند جوامع امروزی به وجود می‌آیند. (۲، ص ۴۶).

در دیدگاه نوسازی ردفیلد، به جوامع قومی و شهری در جریان دگرگونی اجتماعی برمی‌خوریم. بر این اساس جوامع قومی دارای ساختاری سنتی، شخصی، احساسی و در مقابل آن، جامعه شهری را قرار می‌دهد.

اسلمسر جوامع را بر اساس جوامع پیشرفته و توسعه نیافته تقسیم می‌کند و معتقد است که توسعه اقتصادی در محوره‌های تکنولوژی کشاورزی، صنعت و قوم‌مداری بوجود می‌آید، در محور تکنولوژی، جامعه در حال توسعه جامعه‌ای است که از دانشهای علمی بهره‌مند گردد. در زمینه کشاورزی، جامعه پیشرفته، جامعه‌ای است که بجای کشاورزی ساده از کشاورزی برای صادرات و تجارت استفاده نماید. در زمینه صنعت جامعه پیشرفته از صنعت بجای استفاده از نیروی کارگران استفاده می‌نماید و در زمینه قوم‌مداری جامعه در حال توسعه به طرف توسعه شهرها به پیش می‌رود.

روستو در جهت بیان رشد از مرحله گذر از جامعه سنتی به مرحله انتقال، مرحله خیز، مرحله بلوغ و مرحله مصرف انبوه اشاره می‌نماید. بر این اساس در مرحله سنتی، اثری از تکامل و فعالیت و تحرک اقتصادی مشهود نیست و به عبارت دیگر کاربرد علوم و تکنولوژی در جامعه مشاهده نمی‌شود. در مرحله انتقال، جامعه از حالت ایستایی خارج و تحرک در جامعه پدید می‌آید. در این مرحله از علوم جدید استفاده می‌شود، از کاهش درآمد جلوگیری می‌گردد و بازارهای جهانی گسترش، پس‌انداز افزایش و دولتی مرکزی و مقتدر تشکیل می‌شود. در مرحله خیز، موانع و مشکلات رشد اقتصادی برطرف می‌شود و جامعه با سرعت بیشتری به حرکت درمی‌آید.



**دانش بومی در بین دانشمندان تحت عناوینی چون دانش محلی، دانش روستایی، دانش سنتی و... شناخته شده و رسمیت یافته است. این دانش طیف گسترده‌ای در زمینه‌هایی چون کشاورزی، منابع طبیعی، دام، آبخیزداری، محیط زیست را دربرمی‌گیرد.**





در مرحله بلوغ، نتایج سه مرحله قبل ظاهر می‌شود. بطوری که صنایع با ظرفیت حقیقی به کار می‌افتد و کشاورزی با هدف خودکفایی جامعه به رشد و تکامل می‌رسد و در مرحله مصرف انبوه، جامعه به رفاه مادی می‌رسد.

در بررسی دیدگاه‌های صاحب‌نظران به یک مفهوم مشترک در چندین قالب فکری می‌رسیم. بر اساس این طرز فکر، در کشورهای صنعتی، فکر رایج پذیرفته شده، اندیشه‌های نو و مدرنیسم است و سنت و دانش بومی و هر آنچه که مربوط به گذشته است مختص کشورهای عقب‌مانده بوده، و فاقد مطلوبیت و کارایی است. به عبارت دیگر طرفداران نظریه مدرنیسم، افرادی بومی و اندیشه‌های آنان درباره کشاورزی و منابع طبیعی را مربوط به گذشته می‌دانند و جایگاهی برای آن در توسعه کشورها قائل نمی‌شوند.

بنظر می‌رسد که تقابل بین سنت و مدرنیسم ناشی از عدم شناخت ویژگی‌های سنت و مدرنیسم می‌باشد. سنت معادل کلمه Tradition است و در عربی به مفهوم راه و روش و طریق می‌باشد. بدین ترتیب سنت به مفهوم راه و روش گذشتگان است که شامل اعتقادات، باورها، ارزشها و... می‌باشد.

بر اساس این تعریف سنت در مقابل مدرنیسم قرار نمی‌گیرد بلکه راهی است به سوی حرکت و پویندگی. از طرفی دیگر قائل شدن به این مسئله که سنت مخصوص کشورهای در حال توسعه و جهان سوم و مدرنیسم صرفاً به کشورهای صنعتی و پیشرفته تعلق دارد یک اندیشه اشتباه است. در سال ۱۹۸۷، مرکز دانش بومی برای کشاورزی و توسعه روستایی در دانشگاه آیوا در ایالات متحده آمریکا با هدف تشویق و حمایت از پژوهش بین رشته‌ای، آموزش و نیز ترویج دانشی که به توسعه کشورها کمک کند و به کاهش فقر و مشکلات زیست محیطی، افزایش برابری اجتماعی و تشویق خودکفایی و خوداتکایی با مشارکت اهالی هر سرزمین بینجامد، تأسیس شد. (۱۲، ص ۲۸).

### دانش بومی و توسعه پایدار

یکی از دیدگاه‌های پذیرفته شده در زمینه‌های علمی، پذیرش دیدگاه سیستمی است. بر اساس این دیدگاه توسعه به عنوان مفهومی چند سویه مورد بررسی قرار می‌گیرد. بر این اساس توسعه مفهومی دینامیک است که تمام جنبه‌های اجتماعی و اقتصادی یک سیستم را دربر گرفته و ارتباط آنها مورد توجه قرار می‌گیرد. در این سیستم انسان و محیط زیست و منابع طبیعی در مقابل با یکدیگر قرار داشته و انسان با حفظ محیط زیست از منافع آن بهره می‌گیرد. حفظ و نگهداری محیط زیست در این سیستم جهت رسیدن به توسعه پایدار در گرو مشارکت و همبازی بومیان در تمام مراحل طرح از ابتدای تصمیم‌گیری تا پایان اجرا و نمرسانی می‌باشد. هم چنین با توجه به پیشرفت دانش نوین و پاسخگویی آن به بسیاری از مشکلات نمی‌توان پذیرفت که این دانش تنها راه رسیدن به توسعه پایدار می‌باشد بلکه این دانش در مواردی فاقد اصولی است که بتواند استفاده صحیح و به موقع را از امکانات منابع طبیعی بخصوص در روستاها را فراهم کند. ادغام دانش نوین و دانش بومی در گستره توسعه پایدار می‌تواند راهگشا باشد. کشورهای پیشرفته عمدتاً با مطرح کردن دو دیدگاه سنتی و مدرنیسم سعی کرده‌اند که عنوان نمایند اندیشه‌های بومی کشورهای غیرصنعتی مربوط به گذشته است و مانع پیشرفت و توسعه خواهد شد. اگرچه این دیدگاه بوسیله تعدادی از دانشمندان کشورهای غیرصنعتی نیز تقویت و توصیه می‌گردد ولی عمده این جریان در بین کشورهای صنعتی رواج دارد. بدین ترتیب کشورهای صنعتی برای رسیدن به توسعه پایدار باید ارتباط با کشورهای غیرصنعتی را در برنامه کار خود قرار دهند.

در اواسط دهه ۱۹۸۰ نیز نگرش جدیدی به نام اولویت‌بخشی به کشاورز مطرح شد که تا میزان زیادی زمینه‌ساز توجه به دانش بومی گردید. این نگرش که بر شنیدن و یاد گرفتن از مردم تأکید دارد و مشارکت فعال مردم محلی را در فرآیندهای توسعه و تحقیق مورد تأکید قرار می‌دهد، مورد حمایت مؤسسه‌ها و نمایندگی‌های مختلف در سراسر جهان قرار گرفت. (۱، ص ۴۱).

ضرورت و اهمیت موضوع دانش بومی و توسعه انسانی پایدار زمینه تشکیل کنفرانس ملل متحد پیرامون محیط و توسعه را در سال ۱۹۹۲ فراهم ساخت. (۱، ص ۴۳).

دستیابی به دانش بومی نقش عمده‌ای در توسعه پایدار داشته و آن را تقویت می‌کند. بدین ترتیب که:

۱- روستائیان همواره برای بهتر زندگی کردن در جهت شناسایی محیط اطراف خود تلاش می‌کنند. حاصل این تلاش چندین هزار ساله، اطلاعات با ارزشی است که روستائیان از محیط اطراف خود بدست آورده‌اند و بر اساس آن و با حفظ منابع طبیعی اطراف خود نیازهای خود را برطرف می‌نمایند. این اطلاعات می‌تواند در اختیار دانشمندان قرار گیرد به نحوی که تعادل بین مجموعه‌های سیستم حفظ شده و هم چنین نیازهای جامعه انسانی برطرف گردد.

۲- از طرفی دیگر با ورود دانشمندان به محیط طبیعی جهت شناسایی دانش بومی، پژوهش میدانی با ساکن شدن پژوهشگر در محیط آغاز میگردد. این پژوهش به تقویت دیدگاه سیستمی همراه خواهد بود و با ارتباط دانشمندان و مطلعان محلی شکاف عمیق بین دانشمندان و کارشناسان و مردم روستایی از این طریق جبران خواهد شد.

۳- بنیاد بین‌المللی توسعه روستایی در گزارش خود آورده است که ۸۰ درصد از مردم جهان برای نیازهای پزشکی خود به دانش بومی اعتماد دارند و کشورهای در حال توسعه حداقل ۳۵۰۰ گونه گیاهی را که ارزش دارویی دارند صادر می‌کنند. (۱، ص ۴۷). استفاده از گیاهان دارویی با توجه به عوارض داروهای سنتزی روز به روز از اهمیت بیشتری برخوردار میگردد. همچنین به راههای گوناگون از گیاهان دارویی در لوازم آرایشی و بهداشتی به

یکی از دیدگاه‌های پذیرفته شده در زمینه‌های علمی، پذیرش دیدگاه سیستمی است. بر اساس این دیدگاه توسعه به عنوان مفهومی چند سویه مورد بررسی قرار می‌گیرد. بر این اساس توسعه مفهومی دینامیک است که تمام جنبه‌های اجتماعی و اقتصادی یک سیستم را دربر گرفته و ارتباط آنها مورد توجه قرار می‌گیرد.



"جدیدترین تعریفی که برای دانش بومی می‌توان کرد بدین گونه است. هر آنچه از میراث گذشتگان یک سرزمین که در رفع مسائل توسعه آن سرزمین به کار آید دانش بومی است.



طور روزانه استفاده می‌کنند.

بدین ترتیب جایگاه ویژه این دانش در مدیریت پایدار و بالاخص در ابعاد کلان توسعه اقتصادی، خودکفایی دارویی، اشتغال در عرصه ملی و جهانی آشکار خواهد شد.

۴- مراتع تأمین‌کننده مواد غذایی برای دامها، حافظ حیات وحش، حفظ و نگهدارنده آب و خاک و... می‌باشد با اجرای مدیریت دام و مرتع با مشارکت و استفاده از دانش سنتی دامدار، خودانگیزی و خودکفایی، توجه به محیط زیست و تأمین حداقل معیشت زندگی دامداران تأمین و تقویت می‌گردد.

۵- در برنامه‌های توسعه از شاخص افزایش میزان آگاهی می‌توان در موفقیت یا عدم موفقیت برنامه‌های توسعه سود برد و توسعه‌ای موفق خواهد بود که افزایش آگاهی مردم را در پی داشته باشد. حضور خبرگان بومی در کنار متخصصان و بهره‌گیری متقابل حائز اهمیت است. افراد بومی بخوبی از شرایط بوم‌شناختی منطقه خود آگاه هستند. هم چنین دانشمندان و متخصصان با دیدگاه آکادمیک، نظرات خود را به اطلاع افراد بومی می‌رسانند. مردم بومی و دانشمندان و سازمانهای مربوط به توسعه باید به طور مشترک، برای همکاری نظام بومی و نظام دانشگاهی راهی پیدا کنند. این نظام باید نقاط ضعف دانش بومی و دانش رسمی را شناسایی و نسبت به رفع کاستیها و افزایش دانش بومیان و دانشگاهیان اقدام نماید. بدین ترتیب دستیابی به دانش بومی در یک ساختار منظم به افزایش آگاهی بومیان و متخصصان منجر خواهد شد و فراموشی هر کدام از آنها منجر به عدم حصول اهداف توسعه خواهد گردید.

۶- بررسیها نشان می‌دهد که برای یادگیری دانش بومی باید روحیه همدردی، تعاون و مشارکت با بومیان در اولویت قرار گیرد. اقشار مختلف روستائیان از میزان و کیفیت متفاوتی از دانش بومی برخوردار هستند. به عبارت دیگر دانش بومی یک مرد هفتاد ساله و یک زن پنجاه ساله در موقعیتهای مکانی و جغرافیایی مختلف از نظر حجم اطلاعات یکسان نخواهد بود. بدین ترتیب برای اطلاع از این دانش بومی باید از روشهای جدید مشارکتی که در تمام مراحل آن با مشارکت و همدلی بومیان اجرا می‌شود کمک گرفت.

۷- "برای شناسایی نیازهای توسعه، مسئله‌یابی باید از دیدگاه بومیان انجام گیرد. شناسایی درست مسائل و ارتباط مؤثر با بومیان از طریق دانش بومی میسر است" (۱۲، ص ۲۰). این مشورت در مواردی موجب یادگیری عاملان توسعه از محیط اطراف خود می‌شود و دانستیهای کاربردی و محبوبیت آنان نزد بومیان را افزایش می‌دهد و از طرفی دیگر حسن مشارکت و همبازی بومیان را در بیان دیدگاههای خود تقویت می‌نماید.

۸- گفته معروف سیمان ناپ، مبتکر مزارع نمایی در زمینه آموختن از طریق عمل کردن، اهمیت دانش بومی روستائیان را که مبتنی بر تجربه و عمل آنهاست نشان می‌دهد. او می‌گوید آنچه که شخص می‌شنود ممکن است فراموش کند، آنچه که می‌بیند ممکن است در آن شک کند اما آنچه که شخص به دست خود انجام می‌دهد نمی‌تواند آن را فراموش و یا در آن شک کند. (۱، ص ۹۱)

نتیجه اینکه یادگیری همراه با مشارکت و حضور عاملان توسعه در محل، موفقیت برنامه‌های توسعه را تقویت می‌کند.

۹- همراه با گسترش بهره‌مندی از دانش بومی، اکثریت روستائیان از منافع آن بهره‌مند می‌گردند. روستائیان بعنوان صاحبان اصلی دانش بومی، چشم و گوش دانشمندان برای انجام برنامه‌های توسعه، در نتایج سودمند این ارتباط سهیم خواهند شد.

### اندیشه جدید (تلفیق دانش بومی و نوین)

تلفیق دانش بومی و جدید اندیشه جدیدی است که دیدگاه دانشمندان طرفدار مدرنیسم و سنت‌گرا را به هم نزدیک می‌کند. بر اساس این نظر که تفکرات پست مدرنیسم را دربرمی‌گیرد، تلفیق گذشته و آینده از اعتبار و ارزش بالایی برخوردار می‌شود. از اینرو پست مدرنیسم ترکیبی از تجربه، خلاقیت و تقلید و هم چنین ترکیبی از گذشته (سنت)، حال (مدرن) و آینده را پیشنهاد می‌کند. به عبارت دیگر، می‌توان گفت پست مدرنیسم هم بر تلفیق گزینشی گذشته و حال باور دارد و هم بر فراتر رفتن از مدرنیسم (۱، ص ۲۴-۲۳)

"چمبرز هم در بیان این دیدگاه به بیان ویژگیهای "اولی‌ها" و "آخری‌ها" می‌پردازد. از نظر او تفکر اولی‌ها دارای ساختار، ویژگیها و ارزشهای برگرفته از مراکز صنعتی و ثروتمندتر شهری است و لذا خدمتگذار همین مراکز است، اما تفکر آخری در شرایط روستایی شکل گرفته و متأثر از اولیتهای روستایی است." (۱۱، ص ۶۷).

وی می‌گوید: "مقدس شمردن دانش کشاورزی بومی به همان اندازه غیرعقلانی است که دانش مدرن و علمی را تنها دانش قابل قبول بدانیم. کلید تواناییهای جدید در انتخاب بهترین روشهای موجود در هر دو نظام فکری است." (۱۱، ص ۸۸)

رابرت چمبرز بهترین الگو در فن آوری کشاورزی را الگوهای کشاورز از اول تا آخر می‌نامد و می‌گوید:

"این شیوه‌ها از ابتدا تا انتهای کار، کشاورز و خانواده او را مدنظر دارد. نمونه بیانگری از این شیوه‌ها الگوی پژوهشی "آز کشاورز به کشاورز" است که در کشور پرو برای بهبود

**دانش بومی بخشی از سرمایه ملی هر قوم است که باورها، ارزشها، روشها، ابزار و آگاهیهای محلی آنان را دربرمی‌گیرد. این همان دانشی است که به وسیله آن در طی قرون، اقوام گوناگون روزی خود را از محیطشان جسته‌اند، پوشاکشان را تهیه کرده‌اند، خود را در سرپناهی اسکان داده‌اند، فرزندان خود را تربیت کرده‌اند، جامعه خود را سامان داده و سلامت خود و احشام خود را حفظ نموده‌اند.**



روش انبار کردن سبب زمینی بکار گرفته شد. (۱۱، ص ۸۳).

دانش بومی عمدتاً توسط سالخوردگان و به طور سینه به سینه و بصورت شفاهی منتقل می‌گردد. در مقابل دانش نوین مبتنی بر نظامهای دانشگاهی است و رشته‌های متعدد آن نتیجه فرهنگ کتبی است. ادغام این دو دانش می‌تواند ناشناخته‌های دو دانش را شناسایی نماید و تضمین‌کننده موقعیت هر قوم به منظور دستیابی به میراث فرهنگی گذشتگان و تسریع‌کننده توسعه پایدار گردد.

### نقش حفاظتی دانش بومی کشاورزی و منابع طبیعی

با تلاش مردم بومی امید بر آن بود که تنوع زیستی حفظ شود، اما متأسفانه نتایج این تلاشها در حال کاهش است.

تقریباً هر روز ۱۰۰۰ گونه گیاهی از بین می‌رود. تعداد گونه‌هایی که در یک هفته از بین می‌روند به مراتب بیشتر از مجموع تمام گونه‌های از بین رفته در سه قرن گذشته است. انهدام گونه‌ها در کشورهای پیشرفته در مقایسه با کشورهای در حال توسعه به مراتب بیشتر است. به عنوان مثال از شروع قرن حاضر تاکنون، ۹۷ درصد از انواع ۷۵ گونه قابل رویش در ایالت متحده از بین رفته‌اند. هم چنین ۸۶ درصد از گونه‌های سبب درختی و ۸۸ درصد از گونه‌های گللابی نیز از بین رفته‌اند. این موضوع درباره گونه‌های دارویی نیز صادق است. (۱، ص ۵۹)

بر اساس تخمین فائو، ۷۵ درصد تنوع ژنتیکی گیاهان زراعی با شروع قرن حاضر از بین رفته‌اند و این روند، به دلیل انقلاب سبز، از سال ۱۹۵۰ شتاب بیشتری گرفته است و در آینده‌ای نه چندان دور، سه چهارم منطقه‌ای از کشور هندوستان را که زمانی در آن سی هزار گونه مختلف گیاهی می‌روید را در بر خواهد گرفت. در اروپا نیز نیمی از نژادهای حیوانی که در ابتدای قرن حاضر وجود داشته‌اند از بین رفته‌اند. (۱، ص ۶۲-۶۱).

مردم بومی اکثر کشورها، شیوه‌های مفیدی را برای ذخیره‌سازی محصولات غذایی خود بکار می‌برند. برای

مثال، در برخی از مناطق کشور مصر برای خشک کردن بذر از شن استفاده می‌شود. در این روش، رطوبت بذر به وسیله گرمای شن و خورشید بخار می‌شود و در از بین بردن آفات موجود در محصول نیز مؤثر است و حتی خطر حمله موشها را کاهش می‌دهد. (۱، ص ۶۳).

رایج‌ترین شیوه برای ذخیره‌سازی بذر، انبارهای غله در محوطه خانه‌های روستایی است. این انبارها از سایر اتاقها فاصله دارند و دارای دیوارهای جداکننده کوتاهی هستند که خروج دی اکسید کربن و ورود هوا را به آنها امکان‌پذیر می‌سازد. (۱، ص ۶۴).

عشایر شمال شهرستان سمنان برای نگهداری لبنیات، ماست و سرماست را در داخل خیک که از پوست بز ساخته شده است می‌ریزند.

عشایر در اوایل بهار برای تخمین وضعیت علف و آب و تغییر زمان کوچ، افراد خبره و با تجربه‌ای را برای برآورد مرتع به بیلاق گسیل می‌دارند. به این مقوله در بین عشایر سنگسری چرایزی می‌گویند.

دامداران با دله کوه (دامغان) چند روز قبل از کوچ از

وضعیت ایبراه و منطقه بیلاقی برای ارزیابی مرتع و اطلاع از چگونگی وضع علفه از مراتع بازدید می‌کنند و در صورت مساعد بودن وضعیت مرتع، گله‌های خود را راهی بیلاق می‌کنند. به این کار اصطلاحاً علف دیار (diar Alaf) می‌گویند. (۷، ص ۳).

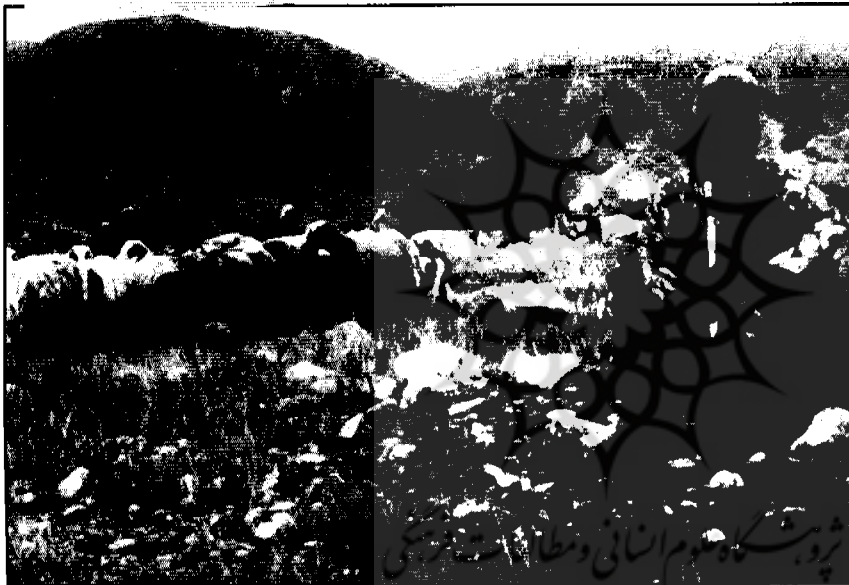
باغداران استان سمنان برای جلوگیری از سرمازدگی میوه‌ها در فصل زمستان، با استفاده از کاه و چوبهای درختان، آتشی تهیه می‌نمایند که دود حاصل از آن تمام قسمتهای باغ را می‌پوشاند و مانع خسارت به میوه‌های باغ می‌گردد.

دامداران و عشایر منطقه خوارتوران در استان سمنان با کشت بذور تاغ در حواشی جاده‌ها، مانع از هجوم ماسه‌های روان به سطح جاده‌ها شدند.

یکی از مسائل مراتع مناطق خشک فقدان آب آشامیدنی برای دامهاست. در این مرتع جهت شرب دامها چاههای دستی به عمق ۲۵-۱۰ متر حفر می‌شود و توسط یک چرخ چوبی که در بالای چاه نصب می‌کنند به کمک طناب و دلو (Dalvc) آب را از چاه کشیده و درون حوضچه یا آبشخورها که در کنار چاه ساخته‌اند می‌ریزند تا دامها از آن استفاده کنند. منبع دیگر آب، آب انبارهایی است که از آجر و سیمان ساخته شده است. این آب انبارها که آب آنها توسط تانکرهای بسیار تأمین می‌شود در مراتعی که دستیابی به آب از طریق چاه میسر نباشد احداث می‌شود. در منطقه درجین شمال شهرستان سمنان، برای تازه ماندن میوه و جلوگیری از بروز خسارت به آن، میوه انار را بعد از برداشت تا اوایل فصل بهار در میان علفهای باغات نگهداری می‌کردند. هم چنین برای استفاده بهتر از میوه انجیر، بعد از برداشت و خشک کردن میوه، آن را در ظرفهای فلزی قرار داده لابه‌لای آن را آرد می‌ریختند و در فصل زمستان برای آفت‌زدایی آن را در فضای باز قرار می‌دادند. برای مبارزه با آفات سرخ‌طومی یونجه،



**روستائیان همواره برای بهتر زندگی کردن در جهت شناسایی محیط اطراف خود تلاش می‌کنند. حاصل این تلاش چندین هزار ساله، اطلاعات با ارزشی است که روستائیان از محیط اطراف خود بدست آورده‌اند و بر اساس آن و با حفظ منابع طبیعی اطراف خود نیازهای خود را برطرف می‌نمایند.**



**بنیاد بین‌المللی توسعه روستایی در گزارش خود آورده است که ۸۰ درصد از مردم جهان برای نیازهای پزشکی خود به دانش بومی اعتماد دارند و کشورهای در حال توسعه حداقل ۳۵۰۰ گونه گیاهی را که ارزش دارویی دارند صادر می‌کنند.**





**در برنامه‌های توسعه از شاخص افزایش میزان آگاهی می‌توان در موفقیت یا عدم موفقیت برنامه‌های توسعه سود برد و توسعه‌ای موفق خواهد بود که افزایش آگاهی مردم را در پی داشته باشد.**



**مقدس شمردن دانش کشاورزی بومی به همان اندازه غیرعقلانی است که دانش مدرن و علمی را تنها دانش قابل قبول بدانیم. کلید توانایی‌های جدید در انتخاب بهترین روش‌های موجود در هر دو نظام فکری است.**

خاکسترهای آتش تنور را در میان مزارع یونجه بخش کرده سپس مبادرت به آبیاری می‌نمایند. برای جلوگیری از هرز آب در جویهای آب، جویهای آب را گل‌آلود می‌کردند. این کار موجب می‌شد که گلها در میان شنها رسوخ کرده، هرز آب کم شود. برای مبارزه با خسارت وارده توسط جانوران و پرندگان به مزارع کشاورزی و باغات، از مترسک استفاده می‌نمایند.

### نتیجه‌گیری و پیشنهادها

در این مقاله پیرامون دانش بومی و نقش ارزنده آن در توسعه پایدار و لزوم تلفیق دانش بومی و دانش نوین بحث گردید. آنچه از این بررسی حاصل شد این بود که دانش بومی دانشی است شفاهی که به طور سینه به سینه توسط بومیان بصورت شفاهی منتقل می‌شود. بر این اساس بومیان افرادی دانا و باسواد هستند. در مقابل دانش نوین با استفاده از امکانات روز و تکنولوژی قرار دارد که بصورت فرهنگ کتبی تجلی می‌نماید. صاحب‌نظران، دو دیدگاه مدرنیسم و سنتی را در مقابل یکدیگر به ترتیب با تأکید بر دانش نوین و دانش بومی قرار می‌دهند. کاستی‌های دانش بومی و نوین دانشی جدید را به منظور تلفیق این دو دانش پایه‌گذاری کرده است. این دانش با همکاری بومیان و دانشمندان روند توسعه پایدار را تسریع و میراث فرهنگی گذشته را تضمین می‌نماید. رابرت چمبرز شیوه جدید در بخش کشاورزی را تحت عنوان "الگوی کشاورز، از اول تا آخر" می‌نامد. در این شیوه از ابتدا تا انتهای کار، کشاورز و خانواده او مدنظر قرار می‌گیرد.

توجه به دانش بومی در زمینه تولید، حفظ و نگهداری منابع طبیعی و کشاورزی باید از اولویت‌های برنامه‌ریزان باشد. هم چنین باید نقش دانشگاهیان و بهره‌گیری از تکنولوژی این بخش در ثبت و نگهداری دانش بومی مورد توجه قرار گیرد. تأسیس سازمانهایی با اهداف استفاده توأمان از دانش بومی و دانش نوین در توسعه پایدار به این مهم کمک می‌نماید.

در نهایت، لازم است از تجارب و دانش چندین ساله سالخوردگان، مطلعان و خبرگان در هر منطقه از کشورمان همگام و توأم با دانش آکادمیک و دانشگاهی در زمینه‌های گوناگون مدیریت، حفظ و نگهداری، بهره‌برداری منابع طبیعی و کشاورزی استفاده نماییم. بدین ترتیب تنها راه توسعه و پیشرفت و تکامل در بخش منابع طبیعی و کشاورزی هم دوشی و تطبیق تفکر قدیم و جدید و سازماندهی آن است. بدیهی است که دست‌یابی به چنین سازگاری مستلزم استفاده از مدیریتی هوشمند و آگاه، ثبت و مستندسازی دانش بومی، استحکام و استمرار ارتباطات بین مراکز دانش بومی و مراکز تحقیقاتی، شناسایی و تقدیر از اعضای فعال نظام‌های دانش بومی، تجهیز نظام‌های دانش بومی به ابزار جدید و آشنایی مراکز آموزشی با دانش بومی با گنجاندن واحدهای درسی دانش بومی و... میباشد.

### فهرست منابع

- ۱- امیری اردکانی، محمد و شاه‌ولی، منصور. ۱۳۷۸. مبانی، مفاهیم و مطالعات دانش بومی کشاورزی، سلسله انتشارات روستا و توسعه. شماره ۳۴.
- ۲- ادیبی، حسین و انصاری، عبدالعبود. ۱۳۵۸. نظریه‌های جامعه‌شناسی، انتشارات جامعه، تهران.
- ۳- ازکیا، مصطفی. ۱۳۶۴. مقدمه‌ای بر جامعه‌شناسی توسعه روستایی، انتشارات اطلاعات.
- ۴- ازکیا، مصطفی. ۱۳۶۵. جامعه‌شناسی توسعه و توسعه‌یافتگی روستایی ایران، انتشارات اطلاعات.
- ۵- دیاس، هیران دی و ویکرامانایک. بی. دبلیو. ای. ۱۳۶۸، درنامه برنامه‌ریزی توسعه روستایی، سلسله انتشارات روستا و توسعه.
- ۶- شاهرخی، نوبهار. ۱۳۸۰. نقش دانش بومی گیاهان دارویی در توسعه پایدار، چکیده مقالات همایش ملی گیاهان دارویی ایران، وزارت جهاد کشاورزی.
- ۷- شاه حسینی، علیرضا. ۱۳۸۰. دانش‌های بومی عشایر استان سمنان در زمینه بهره‌برداری و حفاظت از مراتع، چکیده مقالات اولین همایش ملی تحقیقات مدیریت دام و مرتع، وزارت جهاد کشاورزی.
- ۸- جایگاه تحقیقات، آموزش و ترویج در صیانت از دانش بومی. ۱۳۸۱. ترجمه رؤیا کریمی و خدیجه مرادی، ماهنامه علمی، اجتماعی، اقتصادی جهاد. سال بیست و سوم، شماره ۲۵۵.
- ۹- چمبرز، رابرت. ۱۳۷۸. توجه به آنچه آخری‌ها مهم می‌دانند. دانش بومی در سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی توسعه، ترجمه زهره کسای، سلسله انتشارات روستا و توسعه. شماره ۳۳.
- ۱۰- فرهادی، مرتضی. ۱۳۷۷. گذشته تنها یک گذشته نیست، لزوم پژوهش در دانش و کار ابزارهای سنتی ایران، حکمت دیرین در عصر نوین، کاربرد دانش بومی در توسعه پایدار، سلسله انتشارات روستا و توسعه، شماره ۳۳، جلد اول.
- ۱۱- عمادی، محمدحسین و عباسی، اسفندیار. ۱۳۷۸. حکمت دیرین در عصر نوین: کاربرد دانش بومی در توسعه پایدار، سلسله انتشارات روستا و توسعه، شماره ۳۳، جلد اول.
- ۱۲- عمادی، محمدحسین و عباسی، اسفندیار. ۱۳۷۷. دانش بومی و توسعه پایدار روستاها: دیدگاهی دیرین در پهنه‌های نوین، سلسله انتشارات روستا و توسعه.
- ۱۳- عربیون، ابوالقاسم. ۱۳۸۰. تجزیه و تحلیل، شناخت و کاربرد دانش بومی روستائیان در مدیریت دام و مرتع، چکیده مقالات اولین همایش ملی تحقیقات مدیریت دام و مرتع، وزارت جهاد کشاورزی.
- ۱۴- عامری، حسین و نجاتیان. ابوالفضل. ۱۳۸۰. شناسایی دانش بومی در زمینه دام و مرتع، فصلنامه آموزشی، ترویجی قومی، سال اول، شماره اول.

